

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال سوم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۴

تطور مهدویت در منابع روایی شیعه (در پنج قرن نخست)

خدا مراد سلیمیان*

چکیده

فراوانی احادیث مربوط به مهدویت به نسبت بسیاری از مباحث دیگر، چشم‌گیر و درخور نگرش است. با گذری کوتاه در منابع روایی موجود از پنج قرن نخست، درمی‌یابیم که موضوعات مربوط به امام مهدی علیه السلام و برپایی حکومت عدل جهانی به دست ایشان، از جمله موضوعاتی است که پیش از به دنیا آمدن آن حضرت با بهره‌مندی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام به آن پرداخته شده است.

این نقل روایات در دوره‌های مختلف به سبب برخی عوامل مانند انگیزه‌های شخصی، عوامل محیطی و پدیده‌ی فرقه‌های انحرافی، دست‌خوش دگرگونی‌هایی شده و این دگرگونی‌ها به طور عمده به صورت تصحیف، تحریف و حتی جعل رخ داده که به نظر می‌رسد در مواردی بر شمار آنها افزوده شده است و بررسی آن جایگاهی برجسته دارد.

آشنایی با منابع و نیز سیر تطور نقل این روایات، از آن‌رو که به فهم بهتر این اندیشه‌ی والا کمکی شایان می‌کند، دارای اهمیت بسیار است. این فعالیت پژوهشی به این صورت پیش از این انجام نشده است. در این نوشتار به صورت گذرا، از این منابع و شمار روایات مهدویت آنها در پنج قرن نخست، گزارش و تحلیل خواهد شد.

واژگان کلیدی

اهل شیعه، مهدویت، تطور، احادیث، منابع روایی.

* استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (kh.Salimian@yahoo.com).

مقدمه

با گذری کوتاه در منابع روایی، درمی‌یابیم که موضوعات مربوط به امام مهدی علیه السلام و برپایی حکومت عدل جهانی به دست ایشان، از موضوعاتی است که پیش از به دنیا آمدن مهدی موعود علیه السلام، با بهره‌مندی از سخنان پیامبر اکرم و پیشوایان معصوم علیهم السلام، به آن پرداخته شده است.

این نقل روایات در دوره‌های مختلف به سبب برخی عوامل مانند: انگیزه‌های شخصی، عوامل محیطی و پدیده‌ی فرقه‌های انحرافی، دست‌خوش دگرگونی‌هایی شده، به نظر می‌رسد بر شمار آنها افزوده شده است که بررسی آن از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا با پیگیری و واکاوی روایات مهدویّت در منابع روایی از آغاز تا قرن ششم، به روند و سیر تطور این روایات پرداخته و مراحل مختلفی که این نقل‌ها پشت سر نهاده توصیف و تحلیل شود.

به دست‌آوردن مفهوم روایات مهدویّت مستلزم شناخت - دست‌کم - برخی منابع مطرح و روایات در این باره است در این جا به صورت گذرا برخی از این منابع روایی و شمار روایات آنها را مرور می‌کنیم:

بررسی آماری منابع و روایات شیعه

قرن نخست

اگرچه برخلاف اهل سنت، در میان شیعه نشر روایت در دو سده نخست رواج داشته اما آثار روایی چندانی از این دوران به دست ما نرسیده است؛ ضمن این‌که در آثار رسیده نیز تأملاتی شده است.

در این دو سده یگانه کتابی که در آن برخی روایات مهدوی نقل شده و امروزه در دست‌رس است، کتاب سلیم بن قیس هلالی است (هلالی، ۱۴۰۵). این کتاب به شخصی به نام «ابوصادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی» (م ۸۰ ق) نسبت داده شده است و از لحاظ تاریخی نخستین کتاب حدیثی در دست است. گفته شده نویسنده از شخصیت‌های برجسته و از یاران ویژه امیرمؤمنان، امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیهم السلام است و امام باقر علیه السلام را نیز درک کرده است (مامقانی، ۱۳۸۵: ۴۰۱).

بر پایه برخی روایات‌های در دست، معصومین علیهم السلام، به سلیم بن قیس، اطمینان داشته‌اند و

وی از دانش سرشار آنان بهره‌مند شده است. و بر پایه برخی گفته‌ها، سلیم همواره از سوی امامان علیهم‌السلام تأیید شده، نزد آنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است (نک: کشی، ۱۳۶۳: ۱۰۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۹۴).

گفتنی است درباره کتاب سلیم بن قیس و درستی روایات آن، حرف و حدیث‌های گوناگون و فراوانی زده شده (نک: خویی، ۱۴۱۰: ج ۸، ۲۲۰) که در محل خود همچنان نیازمند بررسی‌های بیشتر است و در حوصله این نوشتار نیست^۱ از این رو از نقل آنها در این جا چشم‌پوشی می‌شود. در این کتاب سیزده روایت درباره حضرت مهدی علیه‌السلام و مهدویت نقل شده که به سبب قدیمی بودن کتاب، درخور نگرش است (نک: روضاتی، ۱۳۹۳: ۱۱۵ - ۱۴۵). یک روایت درباره رجعت و خروج دابة الارض (هلالی، ۱۴۰۵: ۵۶۱)،^۲ پنج روایت درباره این که مهدی علیه‌السلام از نسل امام حسین علیه‌السلام است (همو: ۵۶۵، ۶۲۴^۳، ۸۷۷^۴، ۹۰۹، ۹۵۸). یک روایت درباره بیعت با آن حضرت (همو: ۶۲۰)،^۵ دو روایت درباره ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام و برپایی عدل و قسط (همو: ۶۳۵)، یک روایت درباره اقتدای حضرت عیسی علیه‌السلام به امام مهدی علیه‌السلام در نماز (همو: ۷۰۵)،^۶ یک روایت درباره پدر حضرت مهدی علیه‌السلام (همو: ۷۶۳)،^۷ یک روایت درباره پرچم‌های سیاه از مشرق (همو: ۷۷۴)،^۸ و یک روایت در فضیلت حضرت مهدی علیه‌السلام.^۹ بنابراین جز روایت «دابة

۱. یکی از پژوهش‌گران معاصر، پس از بررسی اجمالی درباره کتاب، آن را از اساس ساختگی دانسته و باور خود را درباره کتاب این‌گونه بیان کرده است: «ولكن الذي اعتقده بعد سبر الكتاب صدراً و ذیلاً ونقدتها كلمة كلمة، ان الكتاب موضوع وضعه أحد الغلاة على لسان سليم بن قيس الهلالي و رواية ابن أذينة عن ابان بن ابي عياش ...» (بهبودی، ۱۳۶۲: ۳۶۱).

۲. این روایت فقط در این کتاب آمده است و پس از آن در هیچ‌یک از منابع روایی مگر بحار الانوار (ج ۳، ص ۵۳) - آن هم به نقل از منتخب البصائر - نقل نشده است.

۳. این روایت پس از این کتاب در ارشاد القلوب دیلمی (ج ۲، ص ۴۲۰) نقل شده است.

۴. این روایت را نعمانی با ذکر سند و اندکی تفاوت به نقل از سلیم نقل کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۷۵).

۵. روایات درباره بیعت با امام مهدی علیه‌السلام در منابع شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده است و شبیه این روایت در آثاری همچون تفسیر عیاشی (ج ۱، ص ۱۴)، الغیبة نعمانی (ص ۸۰) و کمال الدین صدوق (ج ۱، ص ۲۸۴) آمده است.

۶. این روایت را پس از سلیم، فقط نعمانی به نقل از وی با ذکر سند آورده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۷۴).

۷. نعمانی مضمون این روایت را با تفاوتی بسیار نقل کرده است (همو: ۷۳).

۸. این روایت را پس از سلیم، جز مرحوم مجلسی از کتاب سلیم، کس دیگری نقل نکرده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳۳، ۱۴۱).

۹. ... نحن بنو عبد المطلب سادة أهل الجنة أنا و علی و جعفر و حمزة و الحسن و الحسين و فاطمة و المهدی ... (هلالی، ۱۴۰۵: ۸۵۶). این روایت با سندهای گوناگون و تفاوت فراوان در متن، در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۸۳؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۵۲).

الارض» و «پرچم‌های سیاه»، بقیه روایات و یا مضمون آن در منابع و روایات دیگر نقل شده و تردیدهای مطرح درباره کتاب سلیم، آسیبی نخواهد زد. از نکات قابل درنگ در این اثر، آن که به بسیاری از موضوعات برجسته مهدویت مانند غیبت، انتظار، طول عمر، نشانه‌های ظهور، و مباحث مربوط به حکومت، اشاره‌ای نشده است.

قرن سوم

ولادت مهدی موعود علیه السلام در سال‌های نخستین نیمه دوم سده سوم هجری سبب شد تا رفته رفته روایات مهدویت سامان یافته و بیش از گذشته مورد توجه واقع شود. در این سده در واقع روایاتی که به طور عمده به صورت شفاهی در میان مردم رایج بود در منابع استقرار یافت و روزبه‌روز بر دامنه آنها افزوده شد که البته به طور لزوم این افزایش به معنای اضافه شدن روایات نبود، بلکه به سبب گردآمدن روایات پراکنده نمود بیشتری یافت. از آثار این سده می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

- *المحاسن*، نوشته ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) محدث، مؤرخ و مؤلف سده سوم است. وی از بزرگان شیعه به شمار می‌آید و گفته شده بخشی از دوره پیشوایی امام رضا علیه السلام و نیز دوران امامت امام جواد (بغدادی، بی‌تا: ۲۷۶)، امام هادی و امام عسکری علیه السلام را درک کرده و مدتی نیز در دوره غیبت صغرا زندگی کرده است. برخی اهمیت و جایگاه این کتاب را در ردیف کتب *اربعه دانسته‌اند* (برقی، ۱۳۳۰: ج ۱، ۱۰). برخی آن را یکی از منابع برجسته کافی کلینی دانسته‌اند (نک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۶). شیخ صدوق نیز به آن اعتماد کرده و آن را از جمله کتاب‌های مرجع *من لایحضره الفقیه* قرار داده است (نک: صدوق، ۱۴۱۳: ج ۱، ۵).

کلینی توسط «عده من اصحابنا» از وی روایت می‌کند که عبارت‌اند از: علی بن ابراهیم؛ علی بن محمد بن عبدالله، نوه دختری او؛ احمد بن عبدالله، نوه پسر او؛ و علی بن حسن (حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۲).

با توجه به سخن محمدتقی مجلسی در شرح فارسی بر کتاب *من لایحضره الفقیه* (برقی، ۱۳۳۰: ج ۱، ۱۱) می‌توان به روشنی گفت بخش درخور نگرشی از این کتاب به دست ما نرسیده است.

در کتاب *محاسن* فصل و باب ویژه‌ای به عنوان حضرت مهدی علیه السلام گشوده نشده؛ ولی در باب ۳۸ از «کتاب الصفوة و النور و الرحمة من المحاسن»، بیشتر این روایات ذکر شده است. نکته

درخور نگرش این که در هیچ روایتی در این کتاب، اشاره به کلمه «مهدی» نشده و از آن حضرت با عنوان قائم و یا مشتقات آن یاد شده است.

در مجموع سیزده روایات مهدویت در این کتاب نقل شده است. دو روایت دربارهٔ قیام حضرت و گسترش عدل در حکومت جهانی (همو: ج ۱، ۶۱ و ۱۵۵)، دو روایت دربارهٔ عمل به برخی احکام ویژه،^۱ هفت روایت دربارهٔ انتظار فرج و ثبات بر ولایت امامان علیهم السلام (برقی، ۱۳۳۰: ج ۱، ۱۷۳ - ۱۷۴ و ۲۹۱)، یک روایت دربارهٔ سیرهٔ حکومتی حضرت مهدی علیه السلام و تفاوت آن با سیرهٔ علوی،^۲ یک روایت در رجعت و انتقام از دشمنان (همو: ج ۲، ۳۳۹) و البته به بسیاری به بحث‌های مهدوی مانند ولادت، غیبت، ظهور و بحث‌های مربوط به حکومت اشاره‌ای نشده است.

- *بصائر الدرجات*، اثر ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی (م ۲۹۰ ق) از فقها و محدثان بزرگ امامیه، یکی از یاران سرشناس امام حسن عسکری علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۰، ۳۰۹) از چهره‌های شیعه در شهر قم، و شخصیتی مورد اطمینان بوده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۵۴، ش ۹۴۸). شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* از وی به عنوان فردی با تألیفات فراوان یاد کرده، که نامه‌هایی نیز به امام عسکری علیه السلام فرستاده است که آن نامه‌ها و جواب آنها موجود است (طوسی، بی تا: ۲۲۰).

صفار قمی یکی از استادان شیخ کلینی در زمینهٔ حدیث بود (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱). نویسندگان بزرگی چون شیخ کلینی، نعمانی، شیخ صدوق، شیخ طوسی و علامه مجلسی فراوان از وی نقل قول کرده‌اند که این امر نشان‌گر جایگاه او در نقل روایات اهل بیت علیهم السلام است.

علامه مجلسی رحمته الله در مقدمه کتاب *بحار الانوار* از کتاب *بصائر الدرجات* به عنوان یکی از اصل‌های معتبری یاد کرده^۳ که شخصیت‌هایی مانند کلینی و دیگر علما از آن روایت

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «دَمَانٌ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ لَا يَقْضَى فِيهِمَا أَحَدٌ بِحُكْمِ اللَّهِ حَتَّى يَقُومَ قَائِمَنَا الرَّائِي الْمُخْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ تَضْرِبُ رَقَبَتَهُ» (برقی، ۱۳۳۰: ج ۱، ۸۷ - ۸۸). این روایت با تفاوتی اندک در آثار پس از آن همچون *الكافی* (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۳، ۵۰۳) و *من لا يحضره الفقيه* (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ۱۱) از ابان بن تغلب نقل شده است.

۲. ابوبکر حضرمی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا قائم به سیره علی علیه السلام رفتار خواهد کرد؟ فرمود: «لا، إِنْ عَلِيًّا سَارَ فِيهِمْ بِالْمَنْ لِمَا عَلِمَ مِنْ دَوْلَتِهِمْ أَنْ الْقَائِمُ يَسِيرُ فِيهِمْ بِخِلَافِ تِلْكَ السِّيَرَةِ لِأَنَّهُ لَا دَوْلَةَ لَهُمْ» (برقی، ۱۳۳۰: ج ۲، ۳۲۰). این روایت پس از *محاسن* در کتاب‌هایی دیگر نیز نقل شده است (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۵، ۳۳؛ صدوق، بی تا: ج ۱، ۱۴۹).

۳. گفتنی است وی در *بحار الانوار* بیش از حدود سه هزار روایت (مستقیم یا اشاره به آن در زیرنویس) از این کتاب نقل

کرده،^۱ نویسنده آن را فردی ثقه و جلیل‌القدر دانسته است.^۲

این کتاب^۳ دارای ده بخش است که هر بخش دربردارنده نزدیک بیست باب است. نکته درخور توجه این که بیشتر روایات مهدویّت این کتاب از امام باقر و صادق علیهما السلام نقل شده است. دیگر این که بیشتر روایات درباره ظهور و حکومت جهانی مهدی علیه السلام است و به موضوعاتی چون: ولادت، غیبت، نشانه‌های ظهور هیچ اشاره‌ای نشده است. بر پایه بررسی‌های انجام شده شمار روایاتی که مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است و به صورت پراکنده در جای‌جای این نوشته نقل شده است به سی روایت می‌رسد که دارای اهمیت است.

پنج روایت درباره سیره امام مهدی علیه السلام (صفار قمی، بی تا: ۲۱ و ۲۴)، یک روایت در ویژگی یاران مهدی علیه السلام (همو: ۲۴)، یک روایت در انتقام از دشمنان (همو: ۷۰)، یک روایت در یاری دین به دست مهدی (همو: ۱۰۶)، سه روایت درباره لباس مهدی هنگام قیام (همو: ۱۷۴)، ۱۷۵، ۱۸۸)، سه روایت درباره میراث پیامبران نزد آن حضرت (همو: ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۸)، شش روایت درباره داوری آن حضرت (همو: ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۱۱، ۳۸۶، ۵۱۰). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود روایات بسیاری از مباحث نقل نشده است.

البته برخی روایات نخستین بار در این اثر نقل شده است. مانند روایتی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن‌گاه که برخی از یاران نزد ایشان بودند، نقل شده که دو بار فرمود: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي!» پس کسانی که نزد آن حضرت بودند گفتند: ای رسول خدا! آیا ما برادران شما نیستیم؟ حضرت فرمود: نه! شما اصحاب من هستید و برادران من گروهی از مردم آخرالزمان هستند که بدون آن که مرا ببینند به من ایمان می‌آورند...^۴ این روایت پس از بصائر فقط در بحار الانوار نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۲۴).

قرن چهارم (قرن شکوفایی)

اگرچه ولادت حضرت مهدی علیه السلام در سده سوم نقشی برجسته‌ای در ورود روایات در منابع روایای داشت اما به روشنی می‌توان گفت این نقش با غیبت آن حضرت به‌ویژه غیبت

کرده است.

۱. «و کتاب بصائر الدرجات من الأصول المعتمدة التي روي عنها الكليني وغيره» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۶).

۲. «و کتاب بصائر الدرجات للشيخ الثقة العظيم الشأن محمد بن الحسن الصفار» (همو: ۶).

۳. درباره این کتاب و نویسنده آن، مقاله‌ای با نام «صفار قمی و بصائر الدرجات» به قلم محمدعلی امیرمعزی و ترجمه ابوالفضل حقیری قزوینی در چهارمین شماره فصل نامه امامت پژوهی منتشر شده است.

۴. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَلَمْ يَرُونِي...» (صفار قمی، بی تا: ۸۴).

کبرا^۱ شتاب بیشتری گرفت. به گونه‌ای که شمار روایات و منابع روایی ویژه در این سده و سده پس از آن از همه دوره‌ها بیشتر است.

از آثار این دوره می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

- **تفسیر عیاشی**: بنا بر مشهور، نام آن، **کتاب التفسیر** است که بعدها به اعتبار نام نویسنده، به **تفسیر عیاشی** شهرت یافت (نک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۸). این کتاب اثر ابونضر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، معروف به «عیاشی» (م ۳۲۰ ق)، عالم وارسته‌ای است که گفته شده در رشته‌های فقه، ادب، حدیث و تفسیر تبحر فراوان داشته است. او از برجسته‌ترین دانشمندان، در دوران غیبت صغرا و استاد کلینی بوده است (نک: طوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۴۴۰، ش ۶۲۸۲؛ مازندرانی، ۱۳۷۹: ۱۳۴، ش ۶۶۷).

وی نخست با توجه به محیط زندگی خود - که نزدیک سمرقند و بخارا بوده و بیشتر ساکنان آن از اهل سنت بودند - پیرو مکتب فقهی آنان بود (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۵۰، ش ۹۴۴). اما در اثر مطالعه و بررسی در کتاب‌های شیعه، مکتب پرفیض جعفری را پذیرفت و همه میراث پدر را - که افزون بر سیصد هزار دینار بود - در راه علم و نشر حدیث، هزینه کرد (حلی، ۱۳۴۲: ۳۳۵، ش ۱۴۷۱). گفته شده کتاب او بهترین اثر در این باب است. و خانه او به سان مسجد، پراز قاری، محدث، عالم، دانش پژوه و مفسر بود (عیاشی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۴، مقدمه علامه طباطبایی).

آثار وی افزون بر دو بیست جلد کتاب در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی دانسته شده است (نک: طوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۴۴۰، ش ۴۴۰)، وی از مشایخ و اساتید کشی، صاحب رجال معروف و از معاصران محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) ذکر شده است (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۲۱؛ ج ۲، ۴۷۸؛ ج ۳، ۱۱۲).

این تفسیر روایی در ذیل شماری از آیات قرآن کریم، به موضوع «مهدویت» و حضرت مهدی علیه السلام پرداخته و روایاتی را در این زمینه نقل کرده است. پس از بررسی‌های انجام شده می‌توان از حدود هفتاد روایت مربوط به مهدویت در این کتاب یاد کرد که نوع این احادیث، تطبیق و تأویل آیات بر حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی آن حضرت است.

یک روایت درباره قرآن و مهدی علیه السلام در عصر ظهور (عیاشی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۱۳)، دو روایت

۱. گفتنی است در هیچ یک از روایات، تعبیر غیبت صغرا و کبرا وارد نشده است، بلکه با تعبیر الغیبة القصری و الغیبة الطولی، یاد شده است (نک: مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۴۰).

درباره بیعت با حضرت مهدی (همو: ج ۱، ۱۴ و ۲۵۳)، شش روایت در یاران حضرت مهدی علیه السلام (همو: ج ۱، ۶۶ - ۶۷، ۱۳۴؛ ج ۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۶)، سه روایت درباره امدادهای غیبی (همو: ج ۱، ۱۰۳، ۱۹۷؛ ج ۲، ۲۵۴)، سه روایت در انتظار فرج (همو: ج ۲، ۳۰، ۱۳۸؛ ج ۲، ۱۵۹)، یک روایت در نشانه‌های ظهور (همو: ج ۱، ۲۴۴)، یک روایت در چگونگی ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام (همو: ج ۱، ۶۴)، سه روایت در دین در عصر ظهور (همو: ج ۱، ۱۸۳؛ ج ۲، ۵۶ و ۸۷)، یک روایت در سرانجام ابلیس (همو: ج ۲، ۲۴۲) و سیزده روایت در رجعت و رجعت‌کنندگان (همو: ج ۱، ۱۳۰، ۱۸۱، ۲۰۲؛ ج ۲، ۳۲، ۱۱۲، ۱۱۳، ۲۰۲، ۲۳۵، ۲۵۹ و ...) و برخی موضوع‌های دیگر.

نکته قابل درنگ این که روایتی در این تفسیر در شمار روایات مهدویت آورده شده که از آن به طور روشن تحریف قرآن به دست می‌آید.^۱ در این روایت که به امام باقر علیه السلام نسبت داده شده آمده که با توجه به بحث‌های گسترده‌ای که در منابع معتبر درباره عدم تحریف قرآن نگارش یافته، این روایت پذیرفتنی نیست.

در پاره‌ای از روایات نیز به موضوعاتی شگفت‌آور اشاره شده است. مانند آن‌چه درباره حضرت مهدی آورده که ایشان هنگام ورود به کوفه در قبه‌هایی از نور قرار دارد.^۲ این باعث شده گمانه‌های فراوانی در توضیح روایت یادشده ذکر شود (نک: طبسی، ۱۳۸۴: ۳۵۶؛ کورانی، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

سرانجام این که به این تفسیر به دلیل وفور روایات مربوط به رجعت، به عنوان مرجع برجسته‌ای برای مباحث رجعت است که از آن روایت نقل شده است.

- تفسیر علی بن ابراهیم القمی: این تفسیر اثر ابو الحسن، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (م بعد از ۳۰۷ ق) از روایان بزرگ شیعه در قرن‌های سوم و چهارم هجری و از یاران امام حسن عسکری علیه السلام (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۳۰۲) و از مشایخ برجسته و نام‌آشنای ثقه الاسلام کلینی است که کلینی روایاتی را از او نقل کرده است.

این تفسیر بدون شک یکی از معروف‌ترین مصادر تفسیری امامیه به شمار می‌آید. دست‌کم در پنج - شش سده اخیر، کمتر کتابی در تفسیر سراغ داریم که همه یا قسمت اعظم آن از - البته

۱. لولانه زید فی کتاب الله و نقص منه ما خفی حقنا علی ذی حجی و لو قد قام قائمنا فنطق صدقه القرآن (عیاشی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۱۳، ۶۴).

۲. إنه نازل فی قباب من نور حین یبزل بظهر الکوفة (همو: ۱۰۳).

از همین کتاب موجود - در خود جای نداده باشد (نک: مددی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۳۳۲).
 درباره نویسنده و شیوه نگارش و پاره‌ای مباحث مربوط به شناسنامه کتاب، بحث‌های
 گسترده‌ای شده و برخی در انتساب آن به وی تردید کرده (نک: تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۳۰۳)،
 برخی انتساب را مردود دانسته‌اند (مددی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۳۳۲). اما اصل کتاب به عنوان یکی از
 کتاب‌های حدیثی مرجع، مورد توجه بوده و هست.^۱

نجاشی وی را شخصیتی مورد اطمینان در نقل روایات و دارای ایمانی استوار دانسته که مورد
 اعتماد و دارای عقیده و مذهبی صحیح بوده است. و نیز این که او روایات فراوانی را از مشایخ
 شیعه شنیده و نقل کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۰، ش ۶۸۰). وی افزون بر تفسیر یادشده، در
 موضوعات دیگر دارای تألیفات دیگری نیز بوده است (همو).

یکی از ویژگی‌هایی که تفسیر علی بن ابراهیم را برجسته کرده، این که تفسیر وی از
 قدیمی‌ترین تفاسیری است که از روی آیاتی که در شأن ائمه علیهم‌السلام نازل شده است، پرده بر
 می‌دارد. از این رو در میان مفسران شیعه، از ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

البته یکی از اشکال‌هایی که بر این کتاب وارد شده، این که دست کم بخش‌هایی از این
 کتاب، از علی بن ابراهیم نیست. دلایل و شواهدی بر این مدعاست. به عنوان نمونه مقدمه
 این کتاب، به گونه‌ای مباحث را طرح می‌کند که گویی شخصی دیگر^۲ سخن می‌گوید و گاهی،
 حتی از علی بن ابراهیم نقل قول می‌کند (قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴: ج ۱، ۵). افزون بر آن،
 این که این مقدمه، در بردارنده برخی انحراف‌ها و عقاید نادرستی (مانند تحریف قرآن) است.^۳
 یکی از نویسندگان معاصر بر این باور است که به راستی این کتاب، مجموعه‌ای است از چند
 تفسیر: *تفسیر علی بن ابراهیم*، *تفسیر ابوالجارود* و سخنان ابوالفضل عباس بن محمد بن قاسم
 (ایازی، ۱۳۷۸: ۹۸) و بر این ادعا شواهدی ارائه کرده است.

کتاب یادشده در بردارنده نزدیک ۴۷ روایت در رابطه با حضرت مهدی علیه‌السلام است و
 مضامین گوناگون آن است که به طور عمده به صورت تأویل و یا تطبیق آیات بر حضرت

۱. بی‌گمان این اضطراب در نسبت کتاب به نویسنده، در میزان اعتبار روایات این کتاب تأثیری بسزا دارد که درباره
 روایات مهدویت آن باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. شخصی به نام «ابوالفضل علوی» آن را گردآوری کرده است که از شاگردان او بوده و برخی از مطالبی را که از علی بن
 ابراهیم شنیده گردآوری کرده و نکات بسیاری بر آن افزوده است. آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: «این دخل و تصرف را از
 اوایل سوره آل عمران تا آخر قرآن انجام داده است» (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۳۰۳).

۳. واما ما هو محرف منه فهو قوله... (قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۰).

مهدی علیه السلام است.

بحث رجعت و رجعت‌کنندگان با حدود بیست و یک روایت، بیشترین روایت را به خود اختصاص داده است (همو: ج ۱، ۱۹؛ ج ۲، ۳۶، ۶۵، ۷۴، ۷۵، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۷۱، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۹۰، ۳۲۷، ۳۳۹، ۳۹۱، ۴۰۵، ۴۲۷).^۱ دو روایت در نشانه‌های ظهور (همو: ج ۲، ۱۱۸، ۲۰۴)، دو روایت در یاران حضرت هنگام ظهور (همو: ج ۱، ۳۳۵؛ ج ۲، ۲۷۸)، سه روایت در انتقام از دشمنان (همو: ج ۲، ۸۴، ۸۷، ۴۱۶)، دو روایت در حکومت مهدی علیه السلام (همو: ۸۷، ۱۲۹)، پاره‌ای از موضوعات این اثر است.

از نکته‌های برجسته این کتاب پرداختن فراوان به موضوع «اشراط الساعة» است؛ چراکه موضوعاتی چون خروج دابة الارض، دجال، نزول حضرت عیسی علیه السلام و طلوع خورشید از مغرب به فراوانی در روایات این کتاب نقل شده است و در برابر، به موضوعاتی مانند: نسب، ولادت، غیبت و مانند آن یا هیچ اشاره نشده و یا به ندرت اشاره شده است.

ـ الکافی^۲ دارای سی کتاب فرعی است (طوسی، بی تا: ۱۳۵؛ و نیز نک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰۴، ۱۴۶)، اثر ابوجعفر، محمد بن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۹ ق)، از برجسته‌ترین دانشمندان شیعه در نیمه دوم سده سوم و آغاز سده چهارم هجری و از پیشینیان حدیث‌شناس و اخبارنویسان شیعه امامیه است.

یکی از پژوهش‌گران معاصر درباره جایگاه محمد بن یعقوب کلینی به نقل سخنان برخی از دانشمندان شیعه مانند: رجالی بزرگ شیعه ابوالعباس نجاشی، شیخ طوسی، شیخ صدوق و شیخ مفید اشاره کرده است. وی سپس به سخنان برخی دانشمندان رجالی اهل سنت چون: عبدالغنی بن سعید الازدی المصری (م ۴۰۷)، حافظ ابن ماکولا (م ۴۷۵ ق)، ابوعبدالله احمد بن ابراهیم صیمری، ابن عساکر (م ۵۷۱)، ابوالسعادات مبارک بن محمد بن اثیر (م ۶۰۶ ق)، عزالدین ابوالحسن بن اثیر (م ۶۳۰ ق)، شمس‌الدین ذهبی (م ۷۴۸ ق)، صلاح‌الدین خلیل بن ابیک صفدی (م ۷۶۴ ق)، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) و زبیدی (م ۱۲۰۵ ق) اشاره کرده است (اخوان، ۱۳۸۲: ۱۷).

آن چه در زندگی کلینی برجسته است این که وی با سفر به سرزمین‌های اسلامی و پیوند با

۱. این حجم روایت مربوط به مهدویت که نزدیک به نیمی از روایات این کتاب است، در حالی که برخی از این روایات پیش از آن در کتابی نقل نشده است، تأمل در آن را امری بایسته می‌نماید.

۲. تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۸ جلد، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.

راویان احادیث و دست‌یابی به اصولی که پس از آن به اصول چهارصدگانه شیعه (= چهارصد اصل) شهرت یافت (حلی، ۱۳۴۲: ۳۴۱، رقم ۱۵۰۷؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷۷).
وی سرانجام در سال ۳۲۹ هجری^۱ (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷۷، ش ۱۰۲۶) که سال «تناثر نجوم»^۲ (= پراکنده شدن ستاره‌ها) نام گرفت در ماه شعبان، درگذشت. دانشمند نامی بغداد «ابوقیراط» بر پیکرش نماز خواند و شیعیان او را در «باب کوفه» بغداد به خاک سپردند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷۸).

در همین سال با درگذشت واپسین سفیر امام زمان علیه السلام «علی بن محمد سمری» غیبت کبرای آن حضرت نیز آغاز شد.

با گذر زمان شمار فراوانی از آثار وی به دست نرسید و یگانه کتاب باقی مانده از کلینی، کتاب *الکافی* است که از قدیمی‌ترین و معتبرترین و جامع‌ترین (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰۵، ۴۷) کتاب‌های روایی شیعه و نگاشته شده در عصر غیبت صغرا به شمار می‌آید که نگارش آن مدت بیست سال به طول انجامید (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷۷). این کتاب در طول بیش از هزار سال، پیوسته توجه و عنایت دانشمندان و فقیهان شیعه را به خود جلب کرده است و آنان در منابع روایی و تألیفات خود، به آن استناد کرده‌اند.

بزرگان بسیاری از این اثر فاخر به نیکی یاد نموده‌اند که خود بیان‌گر بزرگی این کتاب بی‌مانند است؛ افرادی چون شیخ مفید،^۳ شهید اول، محمد مکی (نک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰۴، ۱۸۸).

کتاب *الکافی* دارای ویژگی‌های فراوانی است که از برجسته‌ترین آنها می‌توان به هم‌عصر بودن نویسنده آن، با سفیران چهارگانه حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرد.

از دیگر ویژگی‌های کتاب، آن است که نویسنده، مقید به ذکر سند روایات تا معصوم علیه السلام است و این خود ارزش و اعتبار ویژه‌ای به آن بخشیده است. این کتاب که بیش از شانزده هزار روایت را در خود جای داده است. نسبت به دیگر منابع، روایات فراوانی را درباره حضرت مهدی علیه السلام

۱. برخی همچون شیخ طوسی در *فهرست* (ص ۱۳۵، ش ۵۹۱) سال وفات وی را ۳۲۸ هجری دانسته‌اند.

۲. سال معروف به «فرو ریختن ستاره‌ها» و سالی که آسمان علم این دنیای خاکی به دلیل درگذشت بزرگانی چون محمد بن یعقوب کلینی، واپسین سفیر امام زمان علیه السلام، پدر شیخ صدوق و برخی از دیگر دانشمندان، بی‌ستاره ماند (نک: کلینی، ۱۳۸۸: ۳۹، مقدمه؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۲۹۳؛ عراقی، ۱۳۸۴: ۱۹۹؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

۳. *الکافی* هو من اجل کتب الشیعة و اکثرها فائدة (مفید، ۱۴۱۴: ۷۰).

نقل کرده است. البته بخشی از این روایات در مجموعه این کتاب، به نوعی پراکنده است؛ و بخشی نیز در باب‌های ویژه‌ای، نقل شده است.

برای نمونه، نویسنده در قسمت اصول و در «کتاب الحجة»، احادیثی را در بخش «فی الاشارة و النص الی صاحب الدار» روایاتی را ذکر کرده که در آنها نوید به ولادت آن حضرت داده شده و نیز به حکایت‌هایی که درباره ولادت آن حضرت نقل شده اشاره کرده است. در ادامه بابی با عنوان «فی تسمیة من رآه» سامان داده که در آن به حکایات و روایاتی اشاره شده که درباره دیده شدن آن حضرت در دوران امام عسکری و نیز دوران غیبت صغرا دلالت دارد. «باب فی النهی عن الاسم» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۳۳۲) قسمت دیگری است که روایات مربوط به ممنوع بودن نام بردن آن حضرت آورده شده است. «باب نادر فی الغیبة» و به دنبال آن «باب فی الغیبة» (همو: ۳۳۵)، دو بابی هستند که در آن به روایات مربوط به غیبت آن حضرت پرداخته شده است. و «باب کراهیة التوقیت» (همو: ۳۶۸)، مجموعه روایاتی است که در آن سخنان معصومان علیهم‌السلام در مذمت وقت‌گذاری و وقت‌گذاران گرد آمده است. سرانجام در بابی با عنوان «انه من عرف امامه لم یضره تقدم هذا الامر أو تأخر» (همو: ۳۷۱)، به اساسی‌ترین مسئولیت شیعیان در عصر انتظار که همانا معرفت و شناخت حجت الهی است، پرداخته است. مجموع این احادیث در این بخش، نزدیک به شصت حدیث است. همچنین در «باب مولد الصاحب» بیش از سی روایت درباره ولادت حضرت مهدی علیه‌السلام و مباحث مربوط به آن وجود دارد. البته به مناسبت در برخی بخش‌های دیگر نیز روایاتی ذکر شده است.

بر پایه بررسی‌های انجام شده در مجموعه کتاب *الکافی* (اصول، فروع، روضه)، نزدیک به یکصد و نود روایت در موضوعات گوناگون مهدویت نقل شده است.^۱ از پرشمارترین موضوعات می‌توان به توقیعات با شمارگان حدود بیست روایت (همو: ج ۱، ۳۳۳، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵)، غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام، با حدود شانزده روایت (همو: ج ۱، ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰) دیدار با حضرت مهدی علیه‌السلام در دوران امام عسکری علیه‌السلام و غیبت صغرا با حدود یازده روایت (همو: ج ۱، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲)، انتظار و منتظران با نه روایت (همو: ج ۲، ۲۲۲)، امامت حضرت مهدی علیه‌السلام با هفت روایت (همو: ج ۱، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲)، رجعت و رجعت‌کنندگان با هفت روایت (همو: ج ۸، ۱۲۴، ۱۶۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۲۴، ۲۶۴، ۲۷۴)،

۱. البته ممکن است با تعریف دیگری از مهدویت این شمار روایات اندکی دگرگونی یابد.

سیره حکومتی حضرت با هفت روایت (همو: ج ۱، ۴۱۱، ۴۱۶، ج ۳، ۳۶۹، ج ۶، ۴۴۴، ج ۸، ۵۰، ۲۴۵، ۳۹۶)، یاران آن حضرت هنگام ظهور سه روایت (همو: ج ۱، ۳۳۳، ۴۳۲، ج ۸، ۱۶۷)، و از دیگر موضوعات ولادت حضرت مهدی علیه السلام (همو: ج ۱، ۳۴۲)، نام‌ها و لقب‌های حضرت (همو: ۳۳۳)، آیات تأویل شده به حضرت (همو: ۴۳۲)، حضرت مهدی علیه السلام در قرآن (همو: ۴۱۱)، محل زندگی ایشان (همو: ۳۴۰) است.

با توجه به جامعیت کتاب کافی، عدم نقل و یا نقل بسیار اندک روایت در برخی موضوعات مهدوی، مانند نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام، تأمل برانگیز است.

از دیگر منابع روایی مهدویت (برای آشنایی با برخی دیگر از آثار این دوره، نک: رضوی، ۱۳۸۶) کتاب *الإمامة والتبصرة من الحيرة* اثر علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) فقیه و محدث است که بزرگان علم رجال به بزرگی از او یاد کرده، وی را فقیه‌ترین و مورد اعتمادترین شخصیت زمان خویش دانسته‌اند. درباره وی توقیعی نیز به امام عسکری علیه السلام نسبت داده شده که در آن او و همه شیعیان به اموری سفارش شده‌اند و خبر داده که اندوه‌ها همچنان ادامه خواهد یافت تا خداوند فرزندش را آشکار کند.^۱

نجاشی، از دانشمندان بزرگ علم رجال، وی را از بزرگان و دانشمندان قم دانسته که در عصر خویش بر دیگران پیشتاز و در مسائل دینی از همه آگاه‌تر و مورد اعتمادتر بوده است.^۲ ابن ندیم وی را از ثقات فقه‌های شیعه دانسته^۳ و شیخ طوسی، او را فقیهی برجسته و از ثقات شمرده که دارای کتاب‌های بسیاری است.^۴

او از اساتید بزرگی، چون سعد بن عبدالله اشعری، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، بهره برده است. افزون بر آثار علمی فراوان او به تربیت شاگردان فراوانی از جمله دو فرزندش حسین و محمد، به عنوان نمونه بارز می‌توان اشاره کرد (نک: طبسی، ۱۳۸۵).

برخی از بزرگان درباره این که وی کتابی به این نام داشته، سخنانی گفته‌اند.^۵ برخی نیز به فراوانی از آن روایت نقل کرده (مجلسی، ۱۴۰۴)، اگرچه در انتساب قطعی آن به ابن بابویه

۱. ولا يزال شيعتنا في حزن حتى يظهر ولدي الذي بشر به النبي (مازندرانی، ۱۳۷۹: ج ۴، ۴۲۵).

۲. أبو الحسن، شيخ القميين في عصره، و متقدمهم، و فقيههم، و ثقتهم (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۱، ش ۶۸۴).

۳. من فقهاء الشيعة وثقاتهم (بغدادی، بی تا: ۲۴۶).

۴. كان فقيهاً جليلاً ثقة، و له كتب كثيرة (طوسی، بی تا: ۲۷۳، باب العين).

۵. له كتاب منها... كتاب الإمامة والتبصرة (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۹۸).

علی بن الحسین... له كتب كثيرة، منها كتاب الإمامة والبصرة من الحيرة (طوسی، بی تا: ۹۳).

علی بن الحسین... من كتبه الإمامة والتبصرة (مازندرانی، ۱۳۷۹: ۶۵).

تردیدهایی کرده‌اند.^۱ برخی اشاره کرده‌اند که اگرچه نجاشی، شیخ طوسی و ابن شهر آشوب آن را از مؤلفات وی دانسته‌اند، اما در این که آن چه آنها در اختیار داشته‌اند همان اثر ابن بابویه بوده نظر است. البته دلیل عمده بر این ادعا نقل روایات از کسانی است که طبقه آنها با پدر صدوق سازگاری ندارد؛^۲ از جمله از ابی المفضل محمد بن عبد الله الشیبانی (م ۳۸۷ق) و حسن بن حمزه علوی و سهل بن أحمد دیباجی (م ۳۷۰ق) است.

البته برخی پژوهش‌گران با ردّ این سخن، منشأ این خطا را در این دانسته‌اند که کتاب *الإمامة والتبصرة* با اثری دیگر به نام *جامع الاحادیث* همراه بوده که سبب این اشتباه از طرف علامه مجلسی شده است.

این کتاب دارای یک مقدمه و بیست و سه باب است. اگرچه در خصوص حضرت مهدی علیه السلام روایات اندکی نقل کرده (قمی، ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۴) اما برخی روایات به صورت کلی منطبق بر آن حضرت می‌شود (نک: همو: باب‌های ۱ - ۳). و در آخر کتاب نیز استدراکاتی زیر نام «المستدرک للإمامة والتبصرة من الحیرة» افزوده شده که مربوط به این کتاب و مؤلف آن نیست؛ بلکه به پژوهش‌گران کتاب^۳ - که روایات صدوق از پدرش را در مورد امامت امام زمان علیه السلام نقل کرده - است.^۴

- *اثبات الوصیة*، که نجاشی آن را به علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶ق) تاریخ‌نگار شناخته شده و نگارنده کتاب تاریخ عمومی *مروج الذهب* نسبت داده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۴، ش ۶۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰۲، ۵۹) و دیگران از وی نقل کرده‌اند. اما امروزه، برخی پژوهش‌گران این انتساب را نپذیرفته کسی جز مسعودی صاحب *مروج الذهب* دانسته‌اند (جعفریان، ۱۴۲۳: ۲۰) و نویسنده آن را شخصی امامی مذهب در همین دوره می‌دانند. از

۱. و کتاب الإمامة والتبصرة من الحیرة للشیخ الأجل أبی الحسن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه والد الصدوق طیب الله تربتهما و أصل آخر منه أو من غیره من القدمات المعاصرين له و يظهر من بعض القرائن أنه تألیف الشیخ الثقة الجلیل هارون بن موسی التلعکبری علیه السلام (همو: ج ۱، ۶).

۲. فإنه یروی فی هذا الكتاب عن أبی محمد هارون بن موسی التلعکبری الذی هو من مشایخ المفید والسیدین، وعن الحسن بن حمزة العلوی الذی هو أيضاً من مشایخ المفید والغضائری وابن عبدون، و... (نک: تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۳۴۱).

۳. تحقیق و نشر: قم المقدسة، مدرسة الإمام المهدی علیه السلام، مقدمه کتاب.

۴. این بخش با نام «المستدرک للإمامة والتبصرة من الحیرة فی ما رواه الصدوق عن والده (المؤلف علیه السلام) فی تمام هذا الموضوع»، از صفحه ۹۷ تا آخر کتاب سامان یافته است. در این بخش روایات فراوانی درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است.

دلیل‌های این مدعا این است که متن و شیوه نگارش این کتاب با دیگر آثار برجای مانده از مسعودی (مروج الذهب، التنبيه والاشراف) همخوانی ندارد. در این دو کتاب، تشیع امامی وی آشکار نیست، اما اثبات الوصیه بر پایه باورهای شیعه امامیه نوشته شده است. با وجود ابهام درباره نویسنده، این اثر در شمار منابع شیعه است و بسیاری از مطالب آن با دیگر روایات زندگی ائمه علیهم‌السلام همخوانی دارد.^۱

از مباحث مربوط به مهدی موعود علیه‌السلام که در روایات این کتاب بدان اشاره شده می‌توان به این موارد اشاره کرد: ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام پایان مهلت شیطان،^۲ مهدی علیه‌السلام از نسل پیامبر^۳ شمار یاران حضرت مهدی علیه‌السلام،^۴ امدادهای غیبی هنگام قیام (مسعودی، ۱۴۱۷: ۱۶۸) سختی‌های دوران غیبت (همو)، جوان بودن مهدی علیه‌السلام (همو: ۱۷۸)، حرمت نام بردن مهدی علیه‌السلام به محمد (همو: ۲۴۵)، از میان بردن بدعت‌ها (همو: ۲۵۳)، سرگذشت مادر حضرت مهدی علیه‌السلام،^۵ ولادت حضرت مهدی علیه‌السلام و در این کتاب درباره ولادت آن حضرت سال ۲۵۵ قمری یاد شده است؛^۶ و روایتی درباره اهتمام امام عسکری علیه‌السلام به رشد جسمانی حضرت (همو) اعلام ولادت مهدی علیه‌السلام با عقیده برای وی (همو) و دیده شدن آن حضرت در کودکی (همو: ۲۶۱) و روشن بودن امر ولایت اهل بیت علیهم‌السلام (همو: ۲۶۴)، آغاز دوران غیبت حضرت (همو: ۲۶۰) و برخی نشانه‌های ظهور (همو: ۲۶۸) روایاتی نقل شده است.

۱. بی‌گمان تردید در نسبت کتاب به نویسنده می‌تواند یکی از نقاط سستی آن باشد که در میزان اعتبار روایات آن نیز نقشی اساسی دارد. توجه به این نکته در روایات مهدویت امری بایسته است.
۲. فجعل الله تلك السجدة سبباً للإجابة للنظرة الى قیام صاحب الامر علیه‌السلام و هو يوم الوقت المعلوم (مسعودی، ۱۴۱۷: ۱۹).
۳. وَ ذَكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَ لَدِهِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ (همو: ۶۱). گفتنی است این روایت پس از این کتاب در هیچ اثری نقل نشده است.
۴. وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ أَصْحَابٍ يَوْمَ يَذُرُّ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ (همو: ۱۶۶). البته این روایت نیز در هیچ یک از آثار پس از این کتاب این‌گونه نیامده است.
۵. مسعودی در این کتاب بر خلاف دیدگاه مشهور، افزون بر این که نرجس را تربیت یافته بیت عمه امام عسکری علیه‌السلام دانسته، زادگاه وی را نیز در همان جا دانسته، نوشته است: روى لنا الثقات من مشايخنا أنَّ بَعْضَ أَخَوَاتِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ كَانَتْ لَهَا جَارِيَةٌ وُلِدَتْ فِي بَيْتِهَا وَ رَبَّتْهَا تُسَمَّى نَرْجِسَ (همو: ۲۵۷).
۶. شیخ طوسی این روایت را با این تفاوت که جمله «ولدت فی بیتها» نقل نکرده، ذکر کرده است و در پایان نیز این قسمت اضافه شده است: لَهُ أَرَاكُ يَا سَيِّدِي تَنْظُرُ إِلَيْهَا فَقَالَ إِنِّي مَا نَظَرْتُ إِلَيْهَا إِلَّا مُتَعَجِّباً أَمَا إِنَّ الْمَوْلُودَ الْكَرِيمَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى يَكُونُ مِنْهَا ثُمَّ أَمَرَهَا أَنْ تَسْتَأْذِنَ أَبَا الْحَسَنِ علیه‌السلام فِي دَفْعِهَا إِلَيْهِ فَقَعَلَتْ فَأَمَرَهَا بِذَلِكَ (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۴). در ضمن در اعیان الشیعه در دو جا روایت از اثبات الوصیه نقل شده است (امین، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۶؛ ج ۶، ۲۱۷).
۶. [و روی] اعلان باسناده ان السید علیه‌السلام ولد سنه خمس و خمسين و مائتين بعد مضی ابی الحسن علیه‌السلام بنحو سنتین (همو: ۲۶۰).

- الغیبه، نوشته ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی، مشهور به ابن ابی زینب (ابن زینب)، از راویان و دانشمندان بزرگ شیعه در اوایل سده چهارم هجری است. وی نزد محمد بن یعقوب کلینی دانش حدیث را فرا گرفت و نویسنده (= کاتب) استادش شد و شاید به همین سبب نیز عنوان «کاتب» پیدا کرد. او از شهرت، احترام و اعتبار ویژه‌ای نزد دانشمندان و فقیهان شیعه بهره‌مند است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۳، ش ۱۰۴۳) و شهرت کتاب وی به نام «غیبت» پس از وی، صورت گرفت؛ چراکه نخست نام آن *مألاً العیبه فی طول الغیبه* (احتمالاً به معنای «پرسیدن گرفتاری‌ها در طول غیبت») بوده است (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۱۶، ۷۹، ش ۳۹۸؛ ج ۲۲، ۱۸۳، ش ۶۵۹۶).

کتاب *الغیبه* به یقین از بهترین کتاب‌ها در زمینه روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام، غیبت و عصر ظهور و ویژگی‌های آن دوران است. همه احادیث، برخوردار از سند بوده و نوع اسناد هم، کوتاه و در بسیاری از موارد، اسناد خوب و پسندیده است.

نویسنده در آغاز کتاب، انگیزه تألیف را تقسیم جامعه شیعی و علاقه‌مندان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، به گروه‌های گوناگون و سرگردانی آنها نسبت به امام زمان علیه السلام دانسته است. از این رو گردآوری روایات در این باره را، علاجی برای این درد دانسته به تهیه این اثر اقدام کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰ - ۵۰).

کتاب *الغیبه* به طور دقیق و بر اساس شماره گذاری غیرمسلول ابواب مختلف این کتاب که استاد علی اکبر غفاری به تصحیح و تحقیق آن مبادرت ورزیده است، دارای ۴۷۸ روایت است. این رقم به جز شمار روایاتی است که به صورت پراکنده در مقدمه مؤلف بر کتابش یا در ضمن شرح‌های مختلف در لابه‌لای مباحث کتاب به چشم می‌خورد.

نکته قابل درنگ این که از امام حسن مجتبی علیه السلام و نیز از امام حسن عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام هیچ روایتی در کتاب *الغیبه* نعمانی وجود ندارد (همو: ۷۵).

روایات این کتاب در ۲۶ باب بیان شده است که در یک تقسیم‌بندی فراگیر می‌توان گفت ابواب کتاب، به طور تقریبی سه گونه‌اند: ابواب مقدماتی (مربوط به مبانی غیبت)، غیبت و دوران غیبت، عصر ظهور و نشانه‌های آن.

نُه باب نخستین کتاب، به مبانی عقیدتی غیبت، مانند بایستگی رازداری و الهی بودن جایگاه امامت و نیز بایستگی وجود امام بر روی زمین و روایات مربوط به دوازده امام علیهم السلام می‌پردازد. سه باب پس از آن (باب ۱۰ تا ۱۲) به غیبت و گزارش دوران غیبت اختصاص دارد.

باب ۱۵ و ۱۶ نیز به همین دوران مربوط می‌گردد. بقیه باب‌های کتاب، به نشانه‌های ظهور و دوران ظهور می‌پردازد.

در این میان، یک باب (باب ۲۴) موضوع ویژه‌ای را پی می‌گیرد. این باب، باطل بودن امامت اسماعیل (فرزند امام صادق علیه السلام) را اثبات می‌کند که در ارتباط با ادعای مهدویت خلیفه فاطمی که اسماعیلی مذهب بوده، است (همو: ۳۲۴، باب ۲۴).

اگرچه این کتاب برای گسترش فرهنگ ناب مهدوی نگارش یافته و بر این پایه باید همه روایات آن مهدوی باشد، اما با بررسی‌های انجام شده نزدیک سیصد روایت آن پیوند تنگاتنگی با موضوع مهدویت دارد و بقیه به مناسبت ذکر شده است.

در پایان گفتنی است برخی از روایات مهدوی فقط در این کتاب نقل شده است^۱ و پس از آن نیز برخی از این کتاب نقل کرده‌اند. اگرچه این تأثیر چندانی در روایت نخواهد گذاشت، اما همواره این پرسش را به ذهن خواهد آورد که چرا دیگران به این روایات اشاره‌ای نکرده‌اند.

- *علل الشرائع* نوشته شیخ صدوق، ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۰۵ - ۳۸۱ ق) از چهره‌های برجسته فقیهان و راویان شیعه در سده چهارم هجری است که در آن به علت نام‌گذاری و علت برخی از کارهای پیامبران و یا پیامبر اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام نیز اشاره شده است.

اگرچه از زمان دقیق ولادت وی آگاهی چندانی در دست نیست، اما با بررسی برخی حکایت‌ها حدود آن به دست می‌آید.

ابوجعفر محمد بن علی اسود که یکی از رابطان اهل قم با ناحیه مقدسه و با نابیان خاص امام زمان علیه السلام بوده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، باب ۴۵، ح ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲). برای صدوق چنین نقل می‌کند:

علی بن حسین بن موسی بن بابویه پس از مرگ محمد بن عثمان عمری از من خواست تا از ابوالقاسم روحی بخواهم که از مولایمان صاحب الزمان علیه السلام بخواهد نزد خدای عزیز و جلیل دعا کند تا به او فرزند پسر عطا کند. محمد بن علی اسود گوید: از او درخواست کردم و او آن را [به حضرت علیه السلام] رسانید. آن‌گاه سه روز پس از آن آگاهم کرد که امام برای علی بن حسین دعا فرموده است و به زودی برای او فرزندی مبارک زاده خواهد شد که خداوند به

۱. برخی از این روایات که منحصراً در این کتاب نقل شده و پیش و پس از آن - جز در *بحار الانوار* که آن هم از این کتاب نقل کرده - جایی نقل نشده است (نعمانی، ۱۴۷، ح ۵؛ ۲۳۰، ح ۱۳؛ ۲۳۱، ح ۱۴؛ ۲۳۳، ح ۱۸؛ ۲۳۸، مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲۶، ۲۲۶، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۱).

سبب او سود می‌رساند و پس از او فرزندان او خواهد بود. (همو: ج ۲، ۲۶۹، ح ۳۲)

ابوجعفر محمد بن علی اسود یادآور می‌شود که به دنبال دعای امام زمان علیه السلام، محمد بن علی یعنی شیخ صدوق برای علی بن حسین، زاده شد (همو).

بنابراین می‌توان گفت صدوق در سال ۳۰۵ یا ۳۰۶ قمری به دنیا آمده است؛ چراکه محمد بن عثمان عمری پس از نزدیک چهل سال عهده‌داری نیابت خاص امام زمان علیه السلام در جمادی الاولی سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ از دنیا رفته است (همو: ۳۶۶، ح ۳۴) و حسین بن روح نوبختی جانشین او شده است.

وی که به دعای حضرت حجت علیه السلام در خاندان دانش و پرهیزکاری در شهر قم چشم به جهان گشود، با گردآوری روایات اهل بیت علیهم السلام و تألیف کتاب‌های ارزشمند خدمات ارزنده‌ای به اسلام و تشیع کرد (نک: نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۹، ش ۱۰۴۹؛ طوسی، بی تا: ۲۳۷، ش ۷۱۰).

نگاهی به فهرست نجاشی و شیخ طوسی از کتاب‌های صدوق به خوبی گستردگی آگاهی‌ها و دانش‌های این دانشور بزرگ را در نگاه ما قرار می‌دهد. اگر چه آن چه از این آثار باقی مانده است در نوع خود پرفایده و ارزشمند است و از میراث نوشتاری و گران سنگ شیعه به شمار می‌رود؛ اما بیشتر نوشته‌های شیخ صدوق در طول تاریخ از میان رفته و فقط نامی از آنها برجا مانده است. وی با گردآوری روایات اهل بیت علیهم السلام و تألیف کتاب‌های نفیس و با ارزش، خدمات ارزنده و کم نظیری به اسلام و تشیع کرد؛ به گونه‌ای که برخی از بزرگان شمار آثار وی را نزدیک به سیصد اثر دانسته‌اند که بیشتر آنها امروزه در دسترس نیست (طوسی، بی تا: ۱۵۶، ش ۶۹۵؛ حلی، ۱۴۱۷: ۱۴۷، ش ۴۴).

رجالی بزرگ، نجاشی، معتقد بود ابوجعفر (شیخ صدوق) ساکن ری، فقیه و چهره برجسته شیعه در خراسان است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۹، ش ۱۰۴۹).

کتاب *علل الشرایع* مانند دیگر کتاب‌های شیخ صدوق پیوسته مورد توجه دانشمندان و فقهای شیعه قرار گرفته است که در مجموعه‌های روایتی بزرگ شیعه مانند *بحار الأنوار* و *وسائل الشیعة* از آن نقل شده و به آن استناد کرده‌اند.

در این کتاب افزون بر ۲۶ روایت در موضوعاتی چون: آیات تأویل شده به مهدویت در دو روایت (صدوق، بی تا: ج ۱، ۸۹، ۱۲۲)، غیبت حضرت مهدی علیه السلام ده روایت (همو: ج ۱، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶)، فلسفه و علل غیبت آن حضرت (همو: ۲۴۳)، توقیعات ایشان (همو: ۲۴۱)، شرایط تحقق ظهور (همو: ۱۴۷)، عدالت گستری (همو: ۹۶، ۱۴۹)، امدادهای

غیبی هنگام ظهور (همو: ۵ و ۱۶۰)، یاران حضرت مهدی علیه السلام (همو: ۸۹)، برخورد حضرت با دشمنان هنگام ظهور در هفت روایت (همو: ۱۴۷، ۲۲۹؛ ج ۲، ۳۸۹، ۴۱۰، ۵۷۹)، جهانی بودن حکومت حضرت (همو: ۵)، سیره حکومتی ایشان در چهار روایت (همو: ۱۴۹، ۱۶۱، ۲۱۰، ۲۲۹)، و رجعت کنندگان (همو: ج ۲، ۵۷۹) قابل استفاده است.

- *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، نوشته شیخ صدوق است که در آن افزون بر زندگی نامه امام رضا علیه السلام سخنان مربوط به ایشان و نیز روایاتی که از آن حضرت نقل شده را گردآوری کرده است. این اثر در شرح و توضیح بسیاری از باورهای شیعه کتابی ارزشمند و سودمند است. شیخ صدوق با گردآوری سخنان و بحث‌های امام رضا علیه السلام با دیگر دانشمندان آن دوران، بسیاری از مباحث برجسته اسلامی را مطرح کرده است. اهمیت فراوان کتاب سبب شده تا در طول زمان‌های گذشته بر این کتاب شرح‌ها (نک: حر عاملی، ۱۳۶۲؛ ج ۲، ۲۷۷) و ترجمه‌های فراوانی صورت پذیرفته است (تهرانی، ۱۴۰۳؛ ج ۴، ۱۲۰، ش ۵۷۵ به بعد).

افزون بر سی و چهار روایت مهدوی در این اثر نقل شده که در موضوعاتی چون: سرگذشت مادر حضرت مهدی علیه السلام یک روایت (صدوق، ۱۳۷۸؛ ج ۱، ۴۰)، امامت حضرت (همو: ج ۱، ۶۵ و ۶۹، ج ۲، ۱۳۱)، پی‌آمدهای انکار حضرت (همو: ج ۱، ۵۹)، شباهت آن حضرت با پیامبران (همو: ۴۱)، غیبت آن حضرت چهار روایت (همو: ۴۱ و ۲۷۳، ج ۲، ۲۶۵)، ظهور ایشان (همو: ج ۱، ۵۸، ۶۵، ۶۸، ج ۲، ۲۶۳)، امدادهای غیبی هنگام ظهور (همو: ج ۱، ۵۹، ۲۶۲، ۲۹۹)، یاران حضرت هنگام ظهور (همو: ج ۱، ۵۹)، انتظار و منتظران (همو: ج ۲، ۳۶، ۱۲۲)، نشانه‌های ظهور سه روایت (همو: ج ۱، ۳۱۰، ج ۲، ۷، ۴۷)، امکان رجعت (همو: ج ۱، ۲۰۰، ج ۲، ۲۰۰، ۲۷۲) و جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام دو روایت (همو: ج ۱، ۲۶۲، ج ۲، ۶۶) است.

- *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*^۱، نوشته ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۸۱ق)، مشهور به «شیخ صدوق»، از بزرگ‌ترین شخصیت‌های جهان اسلام و از چهره‌های علم و فضیلت است.

۴۲ در این کتاب احادیث مربوط به غیبت حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده و در واقع یکی از

۱. نام کتاب را برخی *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* و برخی *اکمال‌الدین و تمام‌النعمه* (حر عاملی، ۱۴۱۴؛ ج ۳، ۲۰۳، ش ۳۴۱) و... گفته‌اند که هر یک مستند به برخی امور است. نکته درخور نگرش این‌که خود شیخ صدوق در *من لایحضره الفقیه* از آن با نام *کمال‌الدین و تمام‌النعمه فی اثبات الغیبه و کشف‌الخبیره* یاد کرده است (صدوق، ۱۴۱۳؛ ج ۴، ۱۸۰).

کتاب‌های مرجع و عمده در حوزه مباحث مهدویت است. کمتر نوشته و اثری در دوره‌های پس از آن یافت می‌شود که به نوعی از این مجموعه، بهره نبرده باشد.

شیخ صدوق در مقدمه کتاب، انگیزه تألیف را به تفصیل بیان کرده و آن را به نوعی کرامت بر اثر عنایت امام زمان علیه السلام دانسته است (صدوق، ۱۳۹۵: ۴ - ۶، مقدمه).

این کتاب به دو بخش اصلی و یک مقدمه تقسیم شده است:

مقدمه کتاب بیش از یک پنجم کل کتاب را در بر دارد، از شکل بحث روایی بیرون و به شکل بحث کلامی درآمده است. آن گاه به انگیزه نگارش کتاب و به دنبال آن اهمیت و جایگاه خلافت در نظام آفرینش می‌پردازد. ایشان در پی این مطالب به لزوم ایمان به حضرت مهدی علیه السلام پرداخته، بایستگی شناخت آن حضرت را مطرح می‌سازد. و به جهت اهمیت غیبت حضرت مهدی علیه السلام، سخن خود را بر اثبات و حکمت آن متمرکز می‌نماید و در ابتدا یادآور می‌شود که غیبت حجت‌های الهی از عصر وفات آدم علیه السلام تا زمان حضرت قائم علیه السلام است و حکمت غیبت آن امام همان حکمت غیبت پیامبران سابق است و قرآن کریم و روایات بر این مطلب دلالت دارد.

احادیث کامل و مستقل این کتاب ۶۵۸ حدیث است که در متن خود دارای ۸۴ حدیث کامل ضمنی نیز هست. طبق بررسی‌های انجام شده نزدیک سیصد و هفتاد روایت مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و موضوعات مرتبط با ایشان است و بقیه روایات در موضوعات دیگر البته در پیوند با مهدویت.

اما مطالب اصلی کتاب در یک نگاه کلی در باب‌هایی با عناوین ذیل بیان شده است:

نخست در هشت باب (از باب اول تا باب هشتم) درباره سابقه غیبت پیامبران و حجت‌های الهی پیشین روایاتی نقل کرده است. پس از آن در ۱۲ باب (از باب نهم تا بیستم) به شباهت وضعیت شیعیان منتظر در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام با داستان منتظران بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از تولد و بعثت آن حضرت به نقل حدیث پرداخته است. آن گاه در ۲۰ باب (از باب بیست و یکم تا باب چهلم) مسائل مربوط به امامت حضرت مهدی علیه السلام مانند لزوم وجود امام و حجت الهی در همه زمان‌ها، تصریح خدا، پیامبر، و امامان معصوم علیهم السلام بر امامت و غیبت امام دوازدهم، منکران واپسین امام و این که امامت در یک زمان در دو برادر جمع نمی‌شود را آورده است.

سپس مباحث مربوط به ولادت حضرت مهدی علیه السلام مانند سرگذشت مادر آن حضرت، ولادت

آن حضرت و دیدارکنندگان با آن حضرت را در سه باب (از باب چهل و یکم تا چهل و سوم)، علت غیبت را در یک باب (باب چهل و چهارم)، توقیعات حضرت مهدی علیه السلام یک باب (باب چهل و پنجم) طول عمر و دراز عمران نه باب (از باب چهل و ششم تا باب پنجاه و چهارم)، ثواب انتظار فرج، یک باب (باب پنجاه و پنجم)، نهی از نام بردن مهدی علیه السلام یک باب (باب پنجاه و ششم) نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام یک باب (باب پنجاه و هفتم) متفرقات یک باب، (باب پنجاه و هشتم)، مطالب را سامان داده است.

قرن پنجم

الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، اثر ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، معروف به شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) است. او این کتاب را در سال ۴۱۱ هجری؛ یعنی، دو سال پیش از درگذشت و در اوج شهرت علمی، تدوین کرده که این خود بر ارزش کتاب می‌افزاید. کتاب *الارشاد* در میان افزون بر دویست اثری که برای شیخ مفید به عنوان منابع برجسته در موضوعات گوناگون شمار شده (طوسی، بی تا: ۱۵۷، ش ۶۹۶)، در موضوع زندگی نامه نگاری ائمه اطهار علیهم السلام در میان امامیه، جایگاه بلندی برای خود به دست آورده است؛ به گونه‌ای که کمتر نوشته‌ای در این موضوع دیده می‌شود که به این کتاب استناد نکرده باشد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۶).

نویسنده در این کتاب تلاش فراوانی کرده روایاتی را برای شناساندن معصومین علیهم السلام ارائه کند و در واپسین بخش آن روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام (حدود نود روایت) را در شش باب، ذکر کرده است (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۴۷۴، فصل ۳۵) و موضوعات آن گزاره است از: ویژگی‌های جسمانی، وقت ظهور، چگونگی آغاز ظهور، روش حکومت و مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام. از ویژگی‌های برجسته این کتاب آن است که موضوعات و احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام طبق سیر تاریخی بحث و بررسی شده است و دیگر آن که ضمن اشاره به روایات معصومین علیهم السلام، در موارد لازم، مطالبی کلامی در توضیح و تبیین روایات ذکر شده است.

با توجه به صبغه کلامی شیخ مفید باید توجه داشت گزینش روایات از طرف او متفاوت از افرادی مانند شیخ صدوق است که تخصصشان حدیث است. بنابراین روایات مهدوی این اثر نسبت به کتاب‌های شیخ صدوق از اعتبار کمتری برخوردار است.

از این رو نقل برخی روایات در این اثر نیازمند بررسی اساسی است مانند روایتی که گفته شده امام صادق علیه السلام فرمود: آن‌گاه که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن شود و مردم از

روشنایی خورشید بی‌نیاز می‌شوند و تاریکی از میان رود و مرد در زمان او هزار سال زندگی کند برای او هزار پسر به دنیا آید و دختری به دنیا نیاید! (همو: ۳۸۱؛ همچنین نک: حائری یزدی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۸۵، ۴۲۳، ج ۲، ۲۳۱؛ امین، ۱۴۰۳: ج ۲، ۸۳).

شاید بتوان گفت نیازمندترین بخش این کتاب برای نقد، بخش پایانی آن است که در آن، بحث نشانه‌های ظهور مطرح شده است و نویسنده برخی روایات ضعیف را در این بحث نقل کرده است (نک: صفری فروشانی، ۱۳۸۸). وی نخست بدون اشاره به روایتی خاص ده‌ها شخص و اتفاق را از نشانه‌های ظهور معرفی کرده است (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۶۸). آن‌گاه نزدیک بیست روایت نقل کرده که در آن میان نشانه‌های آخرالزمان، قیامت و ظهور خلط شده است.

علامه حسن بن مطهر حلی (م ۷۲۶ ق) کتاب *الارشاد* را تلخیص کرده و نام *المستجد من کتاب الارشاد* بر آن نهاده است (حلی، ۱۴۰۶). به جهت برجستگی کتاب *ارشاد*، در دوره صفویه به قلم محمد مسیح کاشانی به فارسی برگردانده شد که *تحفه سلیمانیه* نام دارد و امروزه به صورت چاپ سنگی موجود است.

دلایل الإمامة، نوشته ابوجعفر، محمد بن جریر بن رستم طبری آملی مازندرانی از علمای شیعه در سده چهارم هجری و نیمه نخست سده پنجم (صفری فروشانی، ۱۳۸۴: ۲۲۵) است.^۱ شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌گوید: «ابو جعفر، محمد بن جریر بن رستم طبری آملی مازندرانی، معاصر شیخ طوسی است. نامی از وی در کتب رجالی نیامده؛ اما او غیر از محمد بن جریر طبری کبیر از دیگر علمای شیعه و صاحب کتاب *«المسترشد»* است (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۲، کتاب المسترشد فی دلائل الامامة؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۰؛ همچنین نک: کنتوری، ۱۴۰۹: ۲۱۵) و متأخر از اوست» (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۸۹).

وی افزون بر *دلایل الإمامة*، دارای تألیفات ارزشمندی مانند: *الایضاح، المسترشد فی الإمامة، کتاب مناقب فاطمة وولدها، کتاب نور المعجزات فی مناقب الائمة الاثنی عشر و هو اخصر من الدلائل، کتاب الرواة عن أهل البيت علیهم السلام كما فی میزان الاعتدال* (امین، ۱۴۰۳: ج ۹، ۱۹۹).

یکی از اندیشه‌وران معاصر در مقاله‌ای با عنوان «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل

۱. علامه مجلسی کتابی را به محمد بن جریر بن رستم طبری با نام *الدلائل فی الإمامة* نسبت داده است که ممکن است همین کتاب باشد که در این صورت نام کتاب *الدلائل* خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۹۵، ۳۵۵). مرحوم آیت‌الله خویی نیز نام *دلایل الائمة* را احتمال دوم در کنار نام *دلایل الامامة* ذکر کرده است (خویی، ۱۴۱۰: ج ۱۶، ۱۵۸).

الامامة» به مباحثی ارزشمند دربارهٔ این کتاب پرداخته (صفری فروشانی، ۱۳۸۴)، شواهدی را به دست داده که احتمال انتساب کتاب را به محمد بن جریر طبری مسلم را بسیار اندک دانسته است.

وی بر این باور است با وجود تلاش‌های بزرگانی چون آقا بزرگ تهرانی، در *النذریة* مرحوم شوشتری، در *الاخبار الدخيلة* و مامقانی در *تنقیح المقال*، همچنان نکات مبهمی در اسناد و محتوای روایات به چشم می‌آید. از جمله این که مؤلف کتاب ناشناس و انتساب آن گمانی بیش نیست؛ چرا که حد فاصل سده سوم تا پنجم، چهار محمد بن جریر می‌زیسته‌اند که میان آنها خلط‌هایی می‌شود.^۱ افزون بر سده، بسیاری از روایات این کتاب با سنج‌های اعتبار روایات، به جایگاه اعتبار نمی‌رسند. یکی از روایاتی که به محتوای آن نقدهایی وارد شده روایتی است که در آن گفته شده امام صاق عليه السلام در برابر اصرار ابوبصیر به صورت گسترده، به پراکندگی یاران حضرت مهدی در مناطق گوناگون اشاره کرده است (طبری، بی‌تا: ۵۵۶). ضمن این که برخی از این مناطق چندان مطرح نیست به برخی از مناطقی هم که جمعیت فراوانی از شیعه را دربر دارد اشاره‌ای نشده که به نظر می‌رسد پراکندگی جمعیت در عصر جعل روایت مد نظر قرار گرفته که با امروزه تفاوت‌های فراوانی دارد.

با همهٔ تردیدهایی که در *دلائل الإمامة* و انتساب آن به طبری شده، ولی این کتاب از منابع روایی شیعه است و مورد توجه علما و فقهای شیعه قرار گرفته به طوری که در بسیاری از مجموعه‌های روایی از آن نقل شده و به آن استناد کرده‌اند (نک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۸). ناگفته نماند آن چه گفته شد می‌تواند نقشی بنیادین در میزان اعتبار روایاتی که از این کتاب نقل می‌شود داشته باشد.

این کتاب افزون بر یکصد و سی روایت مهدوی را در خود جای داده است. موضوعاتی چون: امامت حضرت مهدی عليه السلام، چهار روایت (طبری، بی‌تا: ۲۳۱، ۲۴۰، ۲۷۴)، پیش‌گویی از غیبت حضرت، سیزده روایت (همو: ۲۵۰، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳)، توقیعات، سیزده روایت (همو: ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۰۰)، ولادت حضرت مهدی عليه السلام، سه روایت (همو: ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۶۹)، نشانه‌های ظهور، دوازده روایت (همو: ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۹۲)، یاران حضرت هنگام ظهور، ده روایت (همو: ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۷،

۱. شاید بتوان از مجموعه این دیدگاه‌ها به این نتیجه ابتدایی رسید که از سده سوم تا سده پنجم تعداد چهار محمد بن جریر وجود داشته که گاهی خلط‌هایی میان آنها صورت گرفته است (صفری فروشانی، ۱۳۸۴: ۲۲۳).

۲۵۶، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۲۰)، برخوردار آن حضرت با دشمنان، پنج روایت (همو: ۲۳، ۲۳۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۹۰)، ظهور و قیام حضرت ده روایت (همو: ۶۸، ۷۱، ۷۸، ۱۸۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۹۲)، شگفتی‌هایی در عصر ظهور نه روایت (همو: ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۶۰)، سیره حکومتی حضرت دو روایت (همو: ۲۴۹)، حضرت مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام دو روایت (همو: ۲۴۳)، امدادهای غیبی هنگام ظهور دو روایت (همو: ۱۲۶، ۲۴۱)، حکومت جهانی حضرت (همو: ۲۳۳، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸)، رجعت و رجعت‌کنندگان نه روایت (همو: ۱۴۱، ۲۳۰، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۹)، در این اثر نقل شده است.

گفتنی است نقل برخی روایات سست از نظر سند و محتوا، در این اثر سبب شده تا دست‌آویزی برای مخالفان باشد و از آن در وهن شیعه فراوان بهره‌گیرند. به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده که فرمود:

قائمنا إذا قام أشرق الأرض بنور ربها واستغنى العباد عن ضوء الشمس و صار الليل و النهار واحداً و ذهبت الظلمة و عاش الرجل في زمانه ألف سنة يولد في كل سنة غلام لا يولد له جارية يكسوه الثوب فيطول عليه كلما طال و يتلون عليه أي لون شاء؛ (طبری، بی‌تا: ۲۴۱)

آن‌گاه که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن شود و مردم از روشنایی خورشید بی‌نیاز می‌شوند و شبانه‌روزی یکی شود و تاریکی از میان رود و مرد در زمان او هزار سال زندگی کند برای او در هر سال پسری به دنیا آید و دختری به دنیا نیاید و چون لباس پوشد هرچه رشد کند و بزرگ شود لباس نیز بر تن او بزرگ شود و به هر رنگی که بخواهد، درآید!

البته برخی از کتاب‌های پس از آن نیز بدون اشاره به اعتبار سند و بررسی محتوا به نقل این روایت پرداخته‌اند (حائری یزدی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۸۵؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۲۶۷؛ امینی گلستانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۱۹۴).

یا این که به امام رضا علیه السلام نسبت داده شده که فرمود:

آن‌گاه که قائم به پا خیزد به فرشتگان دستور می‌دهد که بر مؤمنان سلام کنند در مجالس با آنها بنشینند هرگاه کسی از آنها حاجتی دارد قائم فرشته‌ای بفرستد تا او را نزد وی آورد تا حاجتش را برآورده سازد سپس او را برگرداند. و از مؤمنان کسانی خواهند بود که در ابرها سیر خواهند کرد و از آنها کسانی‌اند که با فرشته‌ها پرواز کنند و کسانی با فرشتگان پیاده‌روی کنند و از آنها کسانی با فرشتگان مسابقه گذارند! (طبری، بی‌تا: ۲۴۱)

یا این که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده که فرمود:

ثم رفع رأسه فرأى في الهواء خيلاً مسرجة ملجمة ولها أجنحة فقلت: يا أبا عبد الله! ما هذه الخيل؟ فقال: هذه خيل القائم وأصحابه؛ (همو: ۲۴۵)

... سپس سر خود را بلند کرد پس در آسمان اسب‌هایی زین شده و لجام زده دید که بال‌هایی دارند. پس گفتم: ای ابا عبد الله! این اسب‌های کیان‌اند؟ فرمود: اسب‌های قائم و یارانش

و به آن حضرت نسبت داده شده که فرمود:

إذا قام القائم استنزل المؤمن الطير من الهواء فيذبحه فيشويه ويأكل لحمه ولا يكسر عظمه ثم يقول له احى يا ذن الله فيحيا ويطيرو كذلك الطباء؛^۱ (همو: ۲۴۶)

چون قائم به پا خیزد مؤمن پرنده را از آسمان به زیر فرا می‌خواند پس آن را ذبح و کباب می‌کند و گوشت آن را می‌خورد اما استخوان آن را نمی‌شکند، سپس به آن می‌گوید: به اذن خداوند زنده شو! پس زنده می‌شود و پرواز می‌کند و همچنین گوسفند وحشی.

و از این دست روایات.

برخی روایات نیز برای نخستین بار در این اثر نقل شده است مانند روایت مشهور که در آن گفته شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

المهدى من ولدى، وجهه كالكوكب الدرى، واللون لون عربى، والجسم جسم اسرائيلى، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، يرضى بخلافته أهل السماء والطير فى الجوى، ويملك عشرين سنة؛^۲ (همو: ۴۴۱)

مهدی از نسل من است. صورت او مانند ستاره‌های درخشان است رنگ او رنگ عربی، جسم او، جسم اسرائیلی، زمین را آکنده از داد خواهد کرد آن گونه که پر از ستم شده باشد. به خلافت او خشنود می‌شوند اهل آسمان و پرندگان در آسمان، و بیست سال پادشاهی می‌کند.

از دیگر روایاتی که فقط در این کتاب نقل شده است روایتی است که شمار همراهان زن

۱. این روایت بدون اشاره به نقدی پذیرفتنی برای آن، در برخی آثار آمده است (حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۲۰۱؛ بحرانی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۲۰۶؛ اردنی، ۱۳۷۹: ۳۱۶).

۲. البته قاضی نعمان مغربی در شرح الاخبار (ج ۳، ۳۷۸) و اربلی در کشف الغمّة (ج ۳، ۲۶۹) نیز آن را نقل کرده‌اند. همچنین در برخی منابع اهل سنت (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶: ۳۴) نقل شده است و برخی معاصران از اهل سنت روایت را ضعیف دانسته‌اند (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۹۰).

حضرت مهدی علیه السلام را سیزده نفر دانسته که برای مداوای مجروحان خواهند بود (همو: ۲۶۰).^۱
 تقریب المعارف،^۲ نوشته شیخ تقی الدین بن نجم الدین بن عبید الله بن عبد الله بن محمد
 حلبی (م ۴۴۷ ق) (برای آگاهی از شرح حال وی، نک: استادی، ۱۳۹۲؛ پاکت چی، ۱۳۶۷،
 ج ۵، ۶۰۸ - ۶۱۱)، متکلم و فقیه امامی در سده چهارم و پنجم است (برای آگاهی بیشتر نک:
 حائری، ۱۳۹۱). اگر چه زمان ولادت وی در منابع شیعی بیان نشده، اما ذهبی (م ۷۴۸ ق)
 تاریخ ولادت او را در سال ۳۷۴ ق ذکر کرده است (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۳۰، ۱۴۳).

حلبی تحصیلات عالییه خویش را نزد فقیه بزرگوار، سید مرتضی علم الهدی و شیخ الطائفه
 شیخ طوسی انجام داد (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۳۶۶) و اندکی نیز در محضر عالم بزرگوار،
 عبدالعزیز دیلمی معروف به سلار (م ۴۶۳ ق) شاگردی کرده است. او از طرف سید مرتضی علم
 الهدی برای تدریس و تبلیغ و... به شام و حلب اعزام شد و به این جهت او را خلیفه المرتضی
 (نماینده سید مرتضی) می‌گفتند.^۳

وی پس از درگذشت سید مرتضی، از سوی شیخ طوسی در آن مقام ابقا شد و به خلیفه الشیخ
 هم معروف گردید (نوری طبرسی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۳۵). نه تنها دانشوران شیعه از وی به بزرگی یاد
 کرده‌اند که بزرگان اهل سنت نیز دانش او را ستوده‌اند. ذهبی در تاریخ اسلام از وی با عنوان
 «شیخ الشیعة و عالم الرافضة» یاد کرده است (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۳۰، ۱۴۳). او پس از یک عمر
 طولانی در سال ۴۴۷ هجری در شهر حلب درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.

ولادت حضرت مهدی علیه السلام با پنج روایت (حلبی، ۱۴۰۴: ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۱)، القاب آن
 حضرت (همو: ۱۹۰)، امامت حضرت مهدی علیه السلام با هشت روایت (همو: ۱۲۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶،
 ۱۸۳، ۱۸۸)، نسب حضرت (همو: ۱۸۴)، انتظار و منتظران (همو: ۱۹۱)، توقیعات با هفت
 روایت (همو: ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷)، جهان در آستانه ظهور (همو: ۱۷۶)، شباهت
 مهدی علیه السلام با پیامبران (همو: ۱۹۰)، غیبت حضرت مهدی علیه السلام با چهارده روایت (همو: ۱۸۴،
 ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱)، نشانه‌های ظهور (همو: ۱۸۷)، دین در عصر ظهور (همو: ۱۷۶) و جهان
 پس از مهدی علیه السلام (همو: ۱۷۴، ۱۷۵)، روایت از موضوعات روایات این اثر است.

۱. این روایت و مضمون آن جز در این کتاب نقل نشده است و منابع پس از آن نیز به این کتاب ارجاع داده‌اند (نک:

بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۷، ۲۵۱؛ کورانی، ۱۳۸۲: ۲۱۰؛ سلیمان، ۱۴۱۴: ۲۲۰).

۲. قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.

۳. وکان خلیفة المرتضی فی البلاد الحلبیة (امین، ۱۴۰۳: ج ۳، ۶۳۵).

-تهذیب الأحکام، که در شمار معتبرترین نگاهشته‌های روایی شیعه و سومین کتاب از کتاب‌های چهارگانه و مورد اعتماد دانشمندان و فقیهان شیعه است، به دست ابوجعفر محمد بن حسن طوسی مشهور به شیخ الطائفه و شیخ طوسی از بزرگ‌ترین فقیهان، متکلمان، فهرست‌نگاران، محدثان و مفسران شیعه در سده پنجم هجری (۳۸۵-۴۶۰ق) نگاهشته شده است (نک: نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۰۳، ش ۱۰۶۸).

وی که آگاه به روایات و رجال و فقه و اصول، کلام و ادب بود (حلی، ۱۴۱۷: ۱۴۸، ۴۶)، این کتاب را در شرح و توضیح کتاب المقنعه شیخ مفید، استاد بزرگ خود نگاهشته است که شامل روایات فروع و احکام شرعی است و برای فقیه و مجتهدی که بخواهد اجتهاد نماید اکثر روایات مورد نیاز را فراهم آورده است.

نجاشی از آن با عنوان کتابی بزرگ یاد نموده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۰۳). این اثر که همواره در طول زمان تاکنون مورد نظر و توجه بزرگان بوده دارای شرح‌ها و حاشیه‌ها و ترجمه‌هایی که نشان از اهمیت و جایگاه آن دارد (نک: تهرانی، ۱۴۰۳: ۶، ۵۱).

تهذیب شامل ۳۹۳ باب و ۱۳۵۹۰ حدیث است (امین، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۴۴) که در میان آنها افزون بر سی روایت مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و مطالب مربوط به آن حضرت است.

با آن که سبب نگارش، گردآوری روایات فقهی بوده، اما موضوعات برجسته‌ای از مباحث مهدویت در آن اشاره شده که برخی بدین قرار است: دعا برای حضرت مهدی علیه السلام (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۰۳، ۱۰۶)، توقیعات حضرت مهدی علیه السلام (همو: ج ۳، ۲۵۲، ۲۵۳، ج ۶، ۳۱، ۳۴)، محل زندگی حضرت با چهار روایت در باب «بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَالصَّلَاةِ فِيهَا وَفَضْلِ الْجَمَاعَةِ وَأَحْكَامِهَا» (همو: ج ۲، ۱۷۵، ح ۱۵۵)، غیبت حضرت مهدی علیه السلام (همو: ج ۳، ۱۰۶)، ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام (همو: ج ۳، ۲۵۲، ج ۷، ۱۵۲)، برخورد حضرت با مخالفان و دشمنان با چهار روایت (همو: ج ۹، ۲۱۳، ح ۱۹)، حکومت حضرت مهدی علیه السلام (همو: ج ۴، ۱۴۳، ج ۶، ۳۱)؛ ج ۶، ۱۵۴)، سیره حکومتی حضرت (همو: ج ۴، ۱۵۴؛ ج ۱۰، ۳۱۴)، دگرگونی برخی احکام با هفت روایت در «بَابُ الزِّيَادَاتِ» (همو: ج ۴، ص ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵؛ ج ۶، ۱۷۲، ۳۵۱، ج ۷، ۱۵۲، ۱۷۸)، خروج دجال (همو: ج ۶، ص ۱۲، ۳۸۴)، طلوع خورشید از مغرب (همو: ج ۶، ص ۱۳۶) و رجعت و رجعت‌کنندگان (همو: ج ۶، ۹۵).

نکته قابل ملاحظه این‌که بیشتر روایاتی که در موضوع مهدویت یاد شد با توجه به گرایش کتاب به نوعی مرتبط با مباحث فقهی نیز هست که از جمله می‌توان به توقیع شریف اشاره کرد

که دربارهٔ زمان نماز وارد شده است (همو: ج ۲، ۱۷۵، ح ۱۵۵) و نیز روایتی که از امام صادق علیه السلام دربارهٔ ممنوع بودن مال اندوزی و ذخیرهٔ گنج در عصر ظهور نقل شده است (همو: ج ۴، ۱۴۳، ح ۲۴؛ و نیز نک: ج ۷، ۱۴۹).

- کتاب *الغیبه للحجة*، نوشتهٔ شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ق)، از برجسته‌ترین چهره‌های علمی جهان تشیع و شخصیت مورد اعتماد شیعه در سده پنجم هجری است (طوسی، ۱۴۰۹: ۲ - ۳، مقدمه به قلم آقابزرگ تهرانی).

شیخ طوسی نویسندهٔ دو کتاب از کتاب‌های چهارگانهٔ روایی شیعه - *تهذیب الاحکام* و *الاستبصار* - است که هر دو در زمینهٔ روایات و احادیثی است که جنبهٔ فقهی و حکمی دارند. از دیگر تألیفات ارزنده این دانشمند بزرگ کتاب *الغیبه* است.

بدون تردید کتاب *الغیبه* از بهترین، برجسته‌ترین و کامل‌ترین منابع شیعه در مورد «غیبت» حضرت مهدی علیه السلام است. در این کتاب به علت و انگیزه غیبت امام زمان علیه السلام و حکمت الهی که موجب آن گردیده، اشاره شده است.

این کتاب در بردارندهٔ فضایل امام عصر علیه السلام و روش آن حضرت در زمان غیبت و هنگام ظهور است و بسیاری از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرده است. از زمان نگارش آن تا کنون پیوسته توجه علما و فقهای شیعه را به خود جلب کرده است و آنان در نوشته‌های خود، بسیار به آن استناد کرده‌اند.

از کسانی که به اعتبار و شهرت این کتاب تصریح کرده‌اند می‌توان به بزرگانی چون: شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی و صاحب *الذریعة* اشاره کرد (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ج ۳، ۱۵۴).

شیخ حرّ عاملی آن‌گاه در شمار نام این کتاب‌های مورد اعتماد، کتاب *الغیبه* شیخ طوسی را یاد می‌کند (همو: ۱۵۹).

علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) نیز در فصل نخست از مقدمه‌اش بر *بحار الانوار* که در صدد معرفی منابع فراوان این کتاب ارزشمند است، چندین کتاب از شیخ طوسی را نام می‌برد که از جمله آنها کتاب *الغیبه* است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۷).

وی آن‌گاه در فصل دوم از همان مقدمه که به بیان اعتماد بر کتاب‌های فهرست شده در فصل اول می‌پردازد، می‌نویسد: «و کتاب‌های شیخ نیز از کتاب‌های مشهور است جز کتاب امالی که در اشتهار همچون سایر کتاب‌هایش نیست...» (همو: ۲۷).

دو گزاره یاد شده از این دو محقق بزرگ، نشانگر آن است که آن دو، کتاب *الغیبه* شیخ طوسی

را کتاب مشهور و قابل اعتمادی می دانسته اند (نک: رستمی، ۱۳۹۲: ۷۸).

آقا بزرگ تهرانی در مقدمه ای بر کتاب الغیبه، آن را از کتاب های قدیمی دانسته که بر بسیاری از کتاب های دیگر برتری دارد و بر این باور است این کتاب در بردارنده بهترین حجت ها و محکم ترین برهان های عقلی و نقلی بر وجود امام دوازدهم، محمد بن الحسن، صاحب الزمان علیه السلام و غیبت آن حضرت در این زمان و ظهورشان در آخر الزمان است (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴، مقدمه آقا بزرگ تهرانی).

شیخ طوسی در مقدمه کتاب انگیزه خود از نگارش این کتاب را پاسخ به نیاز و پرسش های برخی از بزرگان دانسته است (همو: مقدمه شیخ).

کتاب الغیبه شیخ طوسی طبق شماره گذاری چاپ مؤسسه المعارف الاسلامیه دارای ۵۰۵ حدیث است که این شماره طبق محاسبه بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ۴۶۴ حدیث کامل مستقل است (نک: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۰).

دلیل این اختلاف، تفاوت شمار روایت ها نیست، بلکه اختلاف در مبنای شماره گذاری روایت هاست (رستمی، ۱۳۹۲: ۸۹).

این کتاب با شمار روایات یاد شده در هشت فصل با این عنوان های سامان یافته است: الکلام فی الغیبه؛ ولادت حضرت حجت علیه السلام؛ مشاهده کنندگان حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغرا؛ بیان پاره ای از کرامات آن حضرت؛ برخی از موانع ظهور حضرت مهدی علیه السلام؛ روایات مربوط به بحث نیابت و وکالت؛ عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام و در ضمن آن اشاره ای به وقت ظهور و پاره ای از نشانه های ظهور و سرانجام برخی فضایل و صفات و سیره آن حضرت. از میان حدود پانصد روایت این کتاب، نزدیک دویست و هفتاد روایت آن پیوند تنگاتنگی با مباحث مهدویت دارد. بقیه روایات، یا این که پیوند نزدیکی با مهدویت نداشته، و یا این که به طور اساسی بی ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام و موضوعات مرتبط با ایشان است که به عنوان شاهد یاد شده است.

نتیجه گیری

۵۳

با توجه به بررسی منابع یاد شده به روشنی می توان گفت تطور نقل روایات مهدوی فراز و فرودهایی پدیده ای را پشت سر نهاده است. برخی بر پایه انگیزه هایی به نقل روایاتی ویژه اقدام و برخی روایات را نقل نکرده اند. تفاوت در شمار روایات نقل شده در این آثار گویای این مدعا است.

- غیر از منابع ویژه نقل روایات مهدویت (الغیبة نعمانی، کمال‌الدین صدوق، الغیبة طوسی) که نزدیک سیصد روایت و الکافی مرحوم کلینی که نزدیک یکصد و نود روایت نقل کرده، شمار روایات نقل شده در بیشتر منابع روایی کمتر از صد و گاهی کمتر از پنجاه روایت است و این با ادعاهای امروزی برخی که شمار روایات را چندین هزار می‌پندارند، همخوانی ندارد.

- برخی روایات به طور ویژه فقط در یک منبع نقل شده است؛ مانند روایت مشهوری که در آن سیزده نفر از یاران حضرت مهدی علیه السلام از زنان دانسته شده است، فقط در *دلائل الامامة* طبری آمده (طبری، بی تا: ۲۶۰) و نه پیش و پس از آن در هیچ منبعی ذکر نشده است.

حال با توجه به آن چه درباره این دست کتاب‌ها گفته شده، درنگ بر روایات منفرد امری بایسته خواهد بود.

- گرایش‌های فردی مؤلفان و شرایط اجتماعی و برخی امور دیگر در گزینش روایات و درج آن در منابع مؤثر بوده است، به گونه‌ای که از میان روایات و موضوعات مهدوی گاهی به برخی موضوعات و روایات به طور اساسی توجه نشده و یا کمتر بدان‌ها توجه شده است. مانند روایات طول عمر و غیبت طولانی حضرت که تا زمان غیبت کمتر در منابع یافت می‌شود. این حکایت از نوع نگاه این آثار در مهدویت دارد که نگاه چندان فراگیری نبوده است.

- در کمتری از آثار یادشده، ملاک روشنی برگزینش روایت ارائه شده است و به طور اساسی برخی این ملاک‌ها در انگیزه نگارش این آثار بروز پیدا کرده است، از این رو برخی روایات در این منابع دارای اعتبار لازم نیست.

در پایان گفتنی است که به سبب ضرورت و طولانی نشدن سخن، توصیفات این منابع به اختصار مطرح شد. بی‌گمان بررسی‌های عمیق و گسترده در خود منبع، نویسنده و شرایط نگارش، امری بایسته است که باید به طور دقیق و ژرف صورت پذیرد.

منابع

- اخوان، محمد (مرداد و شهریور ۱۳۸۲ش)، «کلینی و عقل‌گرایی»، *آینه پژوهش*، ش ۸۱، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمّة فی معرفة الائمة علیهم السلام*، تبریز، مکتبه بنی‌هاشمی.
- اردنی، احمد حسین یعقوب (۱۳۷۹ش)، *حقیقة الإعتقاد بالإمام المهدي المنتظر*، قم، دارالملاک.
- استادی، رضا (۱۳۹۲ش)، *الکافی فی الفقه* (مقدمه)، قم، بوستان کتاب.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ق)، *أعیان الشیعة*، تحقیق و تخریج: حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- امینی گلستانی، محمد (۱۳۸۵ش)، *سیمای جهان در عصر امام زمان*، قم، انتشارات مسجد جمکران.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۷۸ش)، *شناخت نامه تفاسیر*، رشت، کتاب مبین.
- بحرانی، سید هاشم (۱۳۸۴ش)، *سیمای حضرت مهدی*، در قرآن، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، تهران، نشر آفاق.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، *مدیة المعاجز*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۳۰ش)، *المحاسن*، تصحیح و تعلیق: سید جلال‌الدین حسینی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- بستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم (۱۴۲۰ق - الف)، *المهدی المنتظر*، فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة، بیروت، دار ابن حزم للطباعة و النشر و التوزیع.
- _____ (۱۴۲۰ق - ب)، *الموسوعة فی أحادیث المهدي الضعيفة والموضوعة*، بیروت، المکتبة المکیة دار ابن حزم.
- بغدادی، ابن ندیم، فهرست، تحقیق: رضا تجدد، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- بهبودی، محمدباقر (۱۳۶۲ش)، *معرفة الحديث و تاریخ نشره و تدوینه و ثقافته عند الشیعة الامامية*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- پاکت‌چی، احمد (۱۳۶۷ش)، «ابوالصلاح حلبی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۵.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ۲۶ جلد، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم.

- جعفریان، رسول (۱۴۲۳ق)، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام*، قم، انصاریان.
- حائری، سید حسین (تابستان ۱۳۹۱ش)، «معرفی کتاب تقریب المعارف»، فصل نامه *امامت پژوهی* سال دوم، ش ۶، قم، بنیاد فرهنگی اهل بیت علیهم السلام.
- حائری یزدی، علی (۱۴۲۲ق)، *الزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، تحقیق: سید علی عاشور، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲ش)، *امل الآمل*، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، دار الكتاب الاسلامی.
- _____ (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی.
- حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۴ق)، *تقریب المعارف*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- حلّی، حسن بن علی بن داود (۱۳۴۲ش)، *رجال*، تهران، دانشگاه تهران.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۶ق)، *المستجد من الإرشاد*، قم، مکتب آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- _____ (۱۴۱۱ق)، *رجال*، قم، دار الذخائر.
- _____ (۱۴۱۷ق)، *خلاصة الاقوال*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحديث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه، چاپ اول.
- ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۰۷ق)، *تاریخ الإسلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی.
- رستمی، حیدرعلی (۱۳۹۲ش)، *بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب الغیبة شیخ طوسی*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- رضوی، رسول (زمستان ۱۳۸۶ش)، «بررسی تألیفات درباره مهدویت در حوزه علمیه بغداد»، فصل نامه *مشرق موعود*، سال اول، ش ۴، قم، مؤسسه آینده روشن.
- روضاتی، سید محمدعلی (زمستان ۱۳۹۳ش)، «۳۱ نکته در باب سلیم بن قیس هلالی و کتاب او»، فصل نامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث *سفینه*، سال دوازدهم، ش ۴۵، تهران، مؤسسه فرهنگی نبأ مبین.
- سلیمان، کامل (۱۴۱۴ق)، *یوم الخلاص فی ظل القائم المهدي علیهم السلام*، بیروت، دارالکتاب اللبنانی،

- چاپ دهم.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (بی تا)، *علل الشرائع*، قم، مکتبه داوری، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا*، تهران، جهان.
- _____ (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- صفار قمی، محمد بن حسن (بی تا)، *بصائر الدرجات*، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- صفری فروشانی، نعمت الله (بهار ۱۳۸۸ش)، «الارشاد و تاریخ نگاری زندگی ائمه علیهم السلام»، فصل نامه *شیعه شناسی*، سال ششم ش ۲۲، قم، مؤسسه شیعه شناسی.
- _____ (پاییز و زمستان ۱۳۸۴ش)، «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامة»، *علوم حدیث*، سال دهم، ش ۳۷ - ۳۸، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (بی تا)، *دلائل الامامة*، قم، دارالذخائر للمطبوعات.
- طبسی، محمدرضا (۱۳۸۴ش)، *شیعه و رجعت*، ترجمه: محمد میرشاه ولد، تهران، انتشارات دارالنشر اسلام.
- طبسی، نجم الدین (بهار و تابستان ۱۳۸۵ش)، «حدیث شناسی الامامة و تبصرة من الحيرة»، تدوین: محمدمهدی لطفی، فصل نامه *انتظار موعود*، ش ۱۸، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۹ق)، *التیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۱۱ق)، *کتاب الغیبة*، قم، موسسه معارف اسلامی، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۵ق)، *رجال الطوسی*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- _____ (بی تا)، *الفهرست*، نجف، مکتبه مرتضویه.
- عراقی، محمود بن جعفر (۱۳۸۴ش)، *دارالسلام: در احوالات حضرت مهدی علیه السلام*، قم، مسجد جمکران.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۱۷ش)، *تفسیر العیاشی*، بیروت، منشورات اعلمی.

- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دارالکتاب.
- قمی، علی بن حسین بن بابویه (۱۴۰۴ق)، الإمامة والتبصرة، قم، مدرسة إمام مهدی علیه السلام.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳ش)، رجال کشی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
- کنتوری، اعجاز حسین (۱۴۰۹ق)، کشف الحجب والاستار، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی.
- کورانی، علی (۱۳۸۲ش)، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ ششم.
- مازندرانی، محمد بن شهر آشوب (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، تهران، مؤسسه انتشارات علامه طباطبائی.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، مقباس الهدایة فی علم الدراریة، قم، دلیل ما.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- مجمع البحوث الاسلامیه (۱۴۱۰ق)، فهرس احادیث اهل البيت علیهم السلام: الامالی - الغیبة، مشهد، بی نا، چاپ اول.
- مددی، سید احمد (۱۳۹۳ش)، نگاهی به دریا (مقالات و مباحثی در تراجم، کتاب شناسی، رجال، حدیث، تاریخ، فقه و اصول)، قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۱۷ق)، اثبات الوصیة، قم، مؤسسه انصاریان.
- مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد بن منصور (۱۴۱۲ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید.
- _____ (۱۴۱۴ق)، تصحیح الاعتقادات الإمامیه، تحقیق: حسین درگاهی، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۱۶ق)، عقد الدرر فی اخبار المتظر، قم، ناصح.
- موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (۱۳۷۹ش)، مکمال المکارم، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، دو جلد در یک جلد، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ پنجم.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبة، تهران، مکتبه الصدوق.

- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۱۶ق)، *خاتمة المستدرک*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- نهاوندی، علی اکبر (۱۳۸۶ش)، *العقبی الحسنان فی احوال مولانا صاحب الزمان*، قم، انتشارات مسجد جمکران.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم، انتشارات هادی.

